

پاسخنامه احتمالی ارسالی کاربران برای آزمون استخدامی فراگیر پنجم سال ۱۳۹۷
(مشترک با آزمون استخدامی آموزش و پرورش سال ۱۳۹۷)

این فایل مربوط به پاسخ نامه احتمالی ارسال شده توسط کاربران می باشد.
پاسخ نامه کارشناسان سایت ایران استخدام به زودی منتشر خواهد شد.

پاسخ نامه احتمالی درس هوش و استعداد تحصیلی

کد دفترچه (500C) (خوشه شغلی ۵)

پاسخنامه احتمالی ارسالی کاربران برای آزمون استخدامی فراگیر پنجم سال ۱۳۹۷

پاسخنامه احتمالی کاربران سایت ایران استخدام(شماره ۱)

سوال ۷۶: گزینه ۱

روش قیاس چون چند مثال آورده که گفته از افشای حقیقت برای کسی که قادر به درک آن نیست خوداری کنیم بعد امده قیاس کرده باکودک که با ید خودش به حقیقت برسد.

سوال ۷۷: گزینه ۱

بسیار ساده است.

سوال ۷۸: گزینه ۲

منظور از ((آن)) به جمله بر گردید گفته هیچ گونه آموزش شفاهی به کودک ندهید بگذارید خود به آن برسد که منظور هدف موردنظر آموزش شفاهی است.

سوال ۷۹: گزینه ۳

مراجعه کنید به پارگراف چهار کاملاً مشخص هست.

سوال ۸۰: گزینه ۱

سوال ۸۱: گزینه ۴

خیلی ها گزینه یک رو زدن اما گزینه ۱ به دلیل اینکه دانش آموز را مخاطب قرار داده برای مخالفت با تفکر انتزاعی اشتباه ست درحالی که در متن دانش آموز هنوز ظرفیت آن را پیدا نکرده است.

سوال ۸۲: گزینه ۱

با توجه به متن این موضوع رو نگفته است.

سوال ۸۳: گزینه ۳

مراجعه کنید به پارگراف آخر که گفته نقش معلم در این فرایند به طور کامل تغییر میکند پس میشه آموزش رویکردها و فرآیندها نه تسهیل فرایند چون نقش معلم در فرایند بر اساس متن به کلی تغییر می کنند بنابرین تسهیل فرآیند نمیشه در بالا هم دو رویکرد واقع گرایی و ساختار گرایی رو گفته که دوستان باید با توجه به سوالات دقت کنند.

پاسخنامه احتمالی ارسالی کاربران برای آزمون استخدامی فراگیر پنجم سال ۱۳۹۷

پاسخنامه احتمالی کاربران سایت ایران استخدام (شماره ۲)

- ۷۶- کدام مورد، مقصود اصلی متن را به بهترین وجه توصیف می‌کند؟
 (۱) اثبات یک باور جدید از طریق قیاس
 (۲) ارائه برداشتی جدید از یک روش تربیتی مرسوم
 (۳) ابطال یک باور غلط
 (۴) عرضه راهکاری جدید
- ۷۷- اطلاعات کافی برای پاسخ به کدام یک از پرسش‌های زیر، در متن وجود دارد؟
 الف) چگونه می‌توان راه ورود معایب بیرونی به کودک را بست؟
 ب) چرا انتظار برای یادگیری و دخالت نکردن که در تعلیم و تربیت منفی مطرح است، انتظاری لازم است؟
 ج) چگونه می‌توان کودک را در مسیری قرار داد که خود بتواند به تشخیص خیر و حقیقت برسد؟
 د) چرا تعلیم و تربیت مثبت، ممکن است قلب انسان را از پاکی و صافی ذاتی‌اش عاری سازد؟
 (۱) فقط «ب» و «ج»
 (۲) «الف»، «ب»، «ج» و «د»
 (۳) فقط «الف» و «ج»
 (۴) فقط «الف»، «ب» و «د»
- ۷۸- منظور نویسنده از «آن» در پاراگراف سوم، کدام است؟
 (۱) دلیل مربی برای ایجاد تأخیر در یادگیری
 (۲) موضوع مورد نظر مربی، جهت انتقال از طریق آموزش شفاهی
 (۳) اقدام مثبت
 (۴) هدف از تعلیم و تربیت منفی
- ۷۹- بهترین محل برای قرار گرفتن جمله زیر که در متن با علامت‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، کدام است؟
 «نتیجه آنکه بزرگ‌ترین، مهم‌ترین و مفیدترین قاعده تعلیم و تربیت منفی صرفه‌جویی در وقت نیست، بلکه از دست دادن و ضایع کردن آن در دوران کودکی است.»
 (۱) [۲]
 (۲) [۱]
 (۳) [۴]
 (۴) [۳]
- ۸۰- باستان‌شناسان اعتقاد دارند موضوع شکار برای انسان‌های اولیه، بسیار حیاتی بوده و به همین دلیل، شاهد شکل‌گیری نوعی آیین اولیه در این رابطه هستیم که در آن، انسان‌های غارنشین در شب پیش از شروع شکار، تصویر حیوانی که قصد شکار آن را داشتند، روی دیواره بخش‌های داخلی غارها ترسیم کرده و ضمن انجام آیینی ویژه، با سلاح‌های خود به این نقوش ضربه زده و به صورت نمادین و مجازی، حیوان را می‌کشتند. این موضوع در آنها باور و جادویی ایجاد می‌کرد که در شکار پیش‌رو، موفق بوده و می‌توانند حیوان مورد نظر خود را شکار کنند.
 کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، استدلال فوق را تضعیف می‌کند؟
 (۱) بر روی بسیاری از غارها، نقوش حیواناتی دیده می‌شود که هرگز آن موقع شکار نمی‌شده‌اند.
 (۲) انسان‌های اولیه، علاوه بر نقوش حیوانات، قادر به ترسیم نقوش غیر حیوانی هم بوده‌اند.
 (۳) در برخی نقاط جهان، انسان‌های اولیه، بیشتر نیاز غذایی خود را از طریق جمع‌آوری دانه‌ها و میوه‌جات و با باقیمانده شکار حیوانات دیگر تأمین می‌کرده‌اند.
 (۴) عده‌ای از متفکران بر این باورند که میل ذاتی انسان در خلق پدیده‌های جدید، در ایجاد و رشد قریحه نقاشی بی‌تأثیر نبوده است.

۸۱- این تصور گهنة که گویا کودکان و نوجوانان دانش آموز قادر نیستند فلسفه، به ویژه روش درست اندیشیدن و روش درست زیستن را بیاموزند، نگرشی واپس گراست و دانش آموزان ما را از مهارت های بسیار ضروری برای زندگی در عصر حاضر محروم می سازد. جای تعجب است که از گذشته تا به حال، درس های مربوط به تاریخ، ادبیات، هنر، پیش دینی، دانش اجتماعی و سایر دروس پیچیده و انتزاعی را در برنامه های درسی دانش آموزان دبستانی و راهنمایی داشته ایم، اما گمان می کنیم که آنها ظرفیت های لازم برای آموختن چگونگی تفکر و روش درست اندیشیدن و درست زیستن را ندارند. درواقع، مشکل از سوی دانش آموزان نیست، مشکل از بدفهمی های اندیشه سنتی است که ما گرفتار آن شده ایم و جرأت نوآوری و متحول کردن برنامه های درسی را نداریم.

کدام مورد را می توان به درستی، از متن فوق استنباط کرد؟

- (۱) تأثیر اندیشه سنتی در نظام آموزشی آنقدر زیاد است که دانش آموزان حتی لحظه ای هم به خود اجازه نمی دهند که لزوم دروس انتزاعی را زیر سؤال ببرند.
- (۲) لازم است از حجم دروسی چون تاریخ، ادبیات، هنر و غیره بکاهیم، زیرا این دروس، وقت کافی برای واقع بینی و اندیشه فلسفی برای دانش آموزان باقی نمی گذارند.
- (۳) اگر دانش آموزان تفکر و روش درست اندیشیدن را بیاموزند، نمی توانند در تحصیل مطالب موجود در درس های دیگر هم، آن طور که باید و شاید، موفق باشند.
- (۴) چنانچه بخواهیم دانش آموزان ما بهتر بتوانند با چالش های زندگی در عصر حاضر برخورد کنند، نیاز است که در برنامه درسی آنها تغییری ایجاد کنیم.

۸۲- از همان آغاز تحصیل در مدرسه، به دانش آموزان باید کمک کرد تا به تفکر انتقادی دست یابند و بفهمند که دیدگاه های افراد و مؤسسات گوناگون، با ارزش ها و علایق خاص آنها درهم تنیده است. وقتی که چنین آموزش هایی به شاگردان داده نشود، آنها گمان خواهند کرد که امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که در برنامه های آشکار و پنهان درسی و رسانه ها به آنها آموخته می شود، تماماً درست و غیرقابل تغییر است.

کدام مورد، از فرض های مندرج در متن فوق نیست؟

- (۱) برخی محتویات درسی و رسانه ای، ممکن است سودار باشند.
- (۲) برنامه های درسی، چنان با منافع برخی گروه های خاص پیوند خورده است که باید آنها را مورد بازنگری کامل قرار داد.
- (۳) تفکر انتقادی، قابل تدریس است.
- (۴) دانش آموزان، فی الذاته قادر به تفکر انتقادی مؤثر نیستند.

۸۳- طبق نظریه ساختارگرایی، همچنان که فیلسوف واقع گرای یونانی، افلاطون نیز اشاره می کند، واقعیت، آنچه که در جهان بیرون و خارج از ذهن انسان اتفاق می افتد نیست، بلکه واقعیت به آن مفاهیمی اطلاق می شود که انسان از این جهان خارجی در ذهن خود می سازد. برای آموختن هر چیزی، انسان ها تنها نیاز دارند که در ذهن خود بدان معنا ببخشند. بنابراین، در تدریس، به جای تحمیل کردن تعدادی مفاهیم و تعریف های نظری و از پیش آماده شده و حل مسائل تکراری، باید راه ساختن مفاهیم در ذهن فراگیرنده را به او آموزش داد. همچنین فراگیرنده باید بیاموزد چگونه میان آن مفاهیم و دنیای واقعی ارتباط برقرار کند. براین اساس، نقش معلم در فرایند آموزش به کلی تغییر می کند.

کدام مورد را می توان به درستی، درباره نقش معلم ساختارگرا، از متن فوق استنباط کرد؟

- (۱) انتقال یکسویه ساختارهای ذهنی به فراگیران از طریق تمرین و تکرار
- (۲) اجرای نقش الگو و پرسشگر برای ایجاد ساختاری واحد از جهان بیرون، در اذهان فراگیران
- (۳) آموزش رویکردها و فرایندهای یادگیری
- (۴) هدایت گر و تسهیل کننده فرایند یادگیری